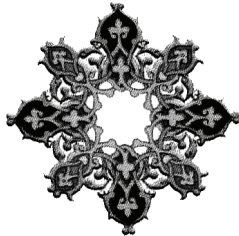


شیوه کلینی در گزینش احادیث کافی



(صفحه ۱۱۳-۱۳۰)

دکتر مهدی اکبر نژاد^۱

دکتر جمال فرزند وحی^۲

نجمیه گراوند^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

چکیده

کتاب کافی از مهم‌ترین جوامع حدیث شیعه به شمار می‌رود. شیعیان همواره در طول تاریخ این اثر حدیثی را مجموعه‌ای معتبر از روایات صادقین (ع) تلقی کرده‌اند. بر این پایه جا دارد اسباب و علل این منزلت و جایگاه مهم برای اثر فوق مطالعه شود. بی‌تردید از مهم‌ترین اسباب و علل این توجه گسترده، نحوه خاص گزینشی است که مؤلف اثر محمد بن یعقوب کلینی برای فراهم آوردن روایات آن به کار بسته است. بناست که در این مطالعه با مرور نمونه‌هایی از روایات این کتاب و هم، بازخوانی نگرش عالمان متأخرتر به اثر، نحوه گزینش کلینی را بازشناسیم و معیارهای او را برای شایان توجه شمردن یک روایت و

۱. دانشیار دانشگاه ایلام
M_akbarnezhaad@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه
Farzandwahy@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام
Na_Geravand@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه ایلام

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

جای دادنش در مجموعه کافیه مرور کنیم. همچنین، خواهیم کوشید به این پرسش پاسخ دهیم که در عمل کلینی خود چه اندازه به این معیارها پایبند بوده، و معیارهای گزینش روایات اثر چه اندازه شدت و ضعف پیدا کرده است.

کلید واژه‌ها: کلینی، الکافی، اصحاب اجماع، اصول اربعه، تاریخ حدیث شیعه.

درآمد

در توثیق محمد بن یعقوب کلینی (د ۳۲۹ ق) - مؤلف کافیه بین عالمان شیعه امامی اختلافی نیست. وی را از دقیق‌ترین اشخاص در نگارش حدیث شناسانده‌اند (نجاشی، ۳۷۷؛ علامه حلی، الرجال، ۱۴۵) و فراوان از وثاقت وی و علمش به روایات گفته‌اند (شیخ طوسی، الفهرست، ۳۹۵؛ نیز رک: ابن طاووس، ۲۱۹). کلینی آنچنان در میان شیعیان مشهور بوده است که حتی فراتر از محافل شیعی، عالمان عامی نیز او را همچون یکی از مشهورترین و اثرگذارترین عالمان شیعی معرفی کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۲/۸۹۵).

کتاب کافیه برای حل مشکلات عصر مؤلف تألیف شد؛ چنان که در مقدمه خود کتاب هم ذکر شده که اختلاف شیعیان و تناقض در روایات ایشان از یک سو، و نبود یک جامع حدیثی مناسب از دیگر سو، مؤلف را به تألیف اثر متمایل کرده است (کلینی، ۱/۹؛ نیز رک: معارف، مباحثی...، ۱۵۱). تألیف اثر در دوره‌ای ۲۰ ساله به انجام رسید (نجاشی، ۳۷۷). کلینی در این اثر ۳۴ کتاب حاوی ۳۲۶ باب گنجانده است. گفته‌اند از حدود ۱۶۰۱۹۹ روایت اثر، چیزی حدود یک سوم بر پایه روایات و باورهای مکتب کلامی یونس بن عبدالرحمان شکل گرفت، یک سوم بر پایه روایات و باورهای مکتب کلامی و فقهی فضل بن شاذان، و یک سوم هم بر پایه اندیشه‌های خود کلینی (کنتوری، ۴۱۹).

طرح مسئله

گفته‌اند که تا حدود یک سده بعد از درگذشت کلینی، کتاب *کافی* مورد اقبال گسترده واقع نگردید. ابن ندیم، وراق شیعی بغدادی (د ۳۸۰ق) حتی نامی هم از کتاب در فهرست آثار موجود بغداد نمی‌برد، ابن عبدون (د ۴۲۳ق) خبر از آن می‌آورد که قبر کلینی رو به ویرانی گذاشته است (رک: نجاشی، ۳۷۸)، و به نظر چنین می‌رسد که روایات فقهی کلینی هم چندان مورد توجه محافل فقهی امامیه نیست. این وضعیت حدود یک سده ادامه پیدا می‌کند، تا آن که با ظهور شیخ مفید (د ۴۱۳ق) و رونق گرفتن مکتب متکلمان شیعه بغداد، از *کافی* کلینی هم به‌سان یک منبع روایی ارزشمند و بی‌نظیر فقهی استفاده می‌شود. گرچه شریف مرتضی (د ۴۳۶ق) کلینی را به سبب وابستگی به مکتب محدثان قم و قعی نمی‌نهد، با ظهور شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) جریان توجه به کلینی و اثرش کافی استمرار می‌یابد؛ چنان که در مکتب فقهی شیخ طوسی این اثر همچون یکی از مهم‌ترین آثار روایی شیعی تلقی می‌شود. کتاب *کافی* از آن پس تا به امروز همواره این جایگاه را حفظ کرده است (برای تفصیل بحث، رک: مادلونگ، ۳۶۳).

تا کنون مطالعات مختلف و البته اندکی برای شناخت ابعاد مختلف *کافی* کلینی، و هم‌روش او در گردآوری این روایات صورت گرفته است. برخی معاصران گاه برای شناخت تعبیر مبهم اثر وی - مثل وقتیایی که روایتی را به «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» منتسب می‌کند، برای شناخت مشایخ و شاگردان او، عصری که در آن می‌زیسته است، و مسائلی از این دست کوشیده‌اند (برای نمونه، رک: غفار، سراسر اثر)؛ همچنان که برخی دیگر نیز گاه روایات وی در باره موضوعاتی خاص همچون جایگاه اهل بیت (ع)، روایات موهوم تحریف قرآن کریم و موضوعاتی از این دست را مطالعه کرده‌اند (تنها برای نمونه، رک: مؤدب و نجارزادگان، سراسر هر دو اثر)، یا حتی میزان اعتبار روایات

او با سه واسطه از اهل بیت (ع) را بررسی کرده‌اند (رک: عاملی، سراسر اثر). بالینحال، کمتر کوششی می‌توان سراغ داد که در آن مبنای کلینی در انتخاب روایات برای درج در این اثر کاویده شده باشد.

مطالعه پیش رو همچون گامی نخست برای نزدیک شدن به این هدف پی گرفته می‌شود. بنا داریم در آن دریابیم: اولاً، معیارهای کلینی در انتخاب روایات اثر چه بوده است؛ ثانیاً، وی چه اندازه از منابع مکتوب، و چه اندازه از منابع شفاهی روایت بهره جسته است؛ و ثالثاً، در عمل چه اندازه به این مبنای پایبند مانده است.

برای پاسخ گفتن بدین پرسشها، نخست جایگاه نقلهای پیشینیان را در کافی کلینی بازخواهیم کاوید. آن گاه به روشهای وی برای جرح و تعدیل روات نظر خواهیم کرد و سرآخر نیز، دیگر شیوه‌های ارزیابی روایی او را خواهیم شناخت.

۱. جایگاه آثار پیشینیان در نقلهای کلینی

شیعیان در عصر حضور ائمه (ع) کتبی را تصنیف نموده‌اند که به آنها «اصل» گفته می‌شود (ابن شهر آشوب، ۳). تدوین این اصول به عصر صادقین (ع) بازمی‌گردد؛ وقتی که روایان با استفاده از درسها و مطالب فرا گرفته از امام باقر و امام صادق (ع)، همزمان یا با فاصله اندکی از صدور روایت، اثری فراهم کرده‌اند (معارف، مباحث، ۱۴۶). به عبارت دیگر، اصل، کتابی است که مطالب آن بدون واسطه از بیانات امام (ع) شنیده و گردآوری شده است (غفاری، ۱۶۰). این اصول، مرجع اصلی محدثان کهن شیعه در ارائه درس یا صدور فتاوی دینی بوده است (شهید ثانی، ۱۷).

شیعیان به جز این اصول، کتب دیگری هم در دسترس داشته، و از آنها نیز بهره می‌جسته‌اند. اکنون بنا داریم دریابیم که میزان تکیه کلینی در کتاب کافی به هر یک از این دست آثار چه اندازه بوده است.

الف) اصول روایی

گاه گفته می‌شود کتب اربعه حدیث شیعه، صورت منقح و تصفیه شده اصول روایی چهارصدگانه‌ای است که شاگردان اهل بیت (ع) نوشته‌اند (حسینی همدانی، ۲/ ۲۳۷). بی‌تردید کلینی از این اصول بهره‌مند بوده، و در نگارش کتاب خویش از آنها استفاده کرده است.

برای نمونه، بر پایه گزارش شیخ طوسی در کتاب *فهرست* می‌دانیم سعدان بن مسلم عامری از اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع) صاحب اصل بوده است (شیخ طوسی، *الفهرست*، ۲۲۶؛ برای وی، رک: *همو، الرجال*، ۲۱۵). کلینی در مواردی چند از وی نقل حدیث می‌کند (رک: کلینی، ۱/ ۳۳، ۱۴۴، ۱۷۸، جم). طبق نقل کتب رجال، زید نرسی از اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع) نیز صاحب اصل بوده است (شیخ طوسی، *الفهرست*، ۲۰۱؛ علامه حلی، *الرجال*، ۲۲۲). با تتبع در کتاب *کافی* مشاهده می‌شود که کلینی گاه از اصل زید نرسی روایت‌هایی را اخذ نموده است (برای نمونه، رک: کلینی، ۲/ ۱۸۵، ۴/ ۱۴۷، ۷/ ۲۱؛ به ترتیب، قس: زید نرسی، ۴۶، ۳۲، ۴۰-۴۱). نمونه دیگر، استفاده کلینی از اصل عبدالله بن جبر یا همان کتاب *دیات* ظریف بن ناصح است (برای این اثر، رک: مهرش، سراسر اثر). کلینی از این اثر نیز بهره جسته است (رک: کلینی، ۷/ ۳۶۳؛ قس: ظریف، ۱۳۶؛ نیز، برای نمونه‌ای از بهره‌جویی کلینی از دیگر روایات ظریف بن ناصح، رک: کلینی، ۵/ ۱۵۸).

ب) کتب اصحاب اجماع

اصحاب اجماع در اصطلاح عالمان رجال شیعی بر گروهی از راویان شیعی در سده‌های ۲-۳ ق اطلاق می‌شود. ویژگی این راویان از نگاه عمده شیعیان آن است که هر گاه روایتی با اسناد صحیح بدینها ختم گردید، پذیرفته خواهد شد (رک: انصاری، ۱۰۴). اساس این اصطلاح به سخن رجالی مشهور، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی

در کتاب رجالش بازمی‌گردد (ص ۲۳۸). بر پایه گفتار وی، امامیه بر تصدیق این گروه از اصحاب ائمه (ع) اجماع دارند (ص ۲۰۶). بر تصحیح روایاتشان متفقند و فقاقت ایشان را مسلم می‌دانند (ص ۳۲۲، ۵۵۶).

در دورانی متأخر، میرداماد (د ۱۰۴۱ق) و بهبهانی (د ۱۲۰۵ق) از این عبارت نتیجه گرفته‌اند که اصحاب بر تصحیح چیزی که از ناحیه آنان ثابت و صحیح است، اجماع کرده‌اند. بر این پایه، معتقد شده‌اند که حتی اگر روایات این گروه مُرسَل یا مرفوع باشد، یا از راوی مجهول یا کسی که دارای عقیده باطل است، نقل حدیث کرده باشند، روایاتشان معتبر و مستند شناخته خواهد شد (میرداماد، ۴۱؛ نوری، ۳/ ۷۶۲؛ برای تفسیری دیگر از سخن کشی، رک: خویی، ۱/ ۵۹).

به نظر می‌رسد کلینی در گزینش احادیث، به وجود آنها در کتب اصحاب اجماع توجه ویژه‌ای داشته است. از جمله اصحاب اجماع، ابان بن عثمان است (کشی، ۳۲۲). وی را صاحب کتابی در باره سیره پیامبر (ص) و جنگهای ایشان تا اوایل عصر خلافت ابوبکر دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳؛ شیخ طوسی، الفهرست، ۴۷). نقل گسترده کلینی از روایات ابان، حاکی از توجه وی در انتخاب احادیث، به وجود آن حدیث در اصول یا کتب اصحاب اجماع است. وی قریب به ۱۰۰ حدیث از ابان بن عثمان نقل نموده است (برای نمونه، رک: کلینی، ۱/ ۵۱، ۵۶، ۶۹، جم).

از دیگر اصحاب اجماع، می‌توان یونس بن عبدالرحمن را نام برد که از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) است (کشی، ۵۵۶). در کتب رجالی از یونس همچون عالمی ثقه، امامی، صحیح مذهب و جلیل‌القدر یاد شده است (نجاشی، ۴۴۷؛ شیخ طوسی، الرجال، ۳۴۶). وی را گاه صاحب کتابهایی پرشمار دانسته‌اند (شیخ طوسی، الفهرست، ۵۱۱). کلینی نیز بالغ بر ۷۰ مورد از یونس بن عبدالرحمن نقل روایت نموده است (برای نمونه، رک: کلینی، ۱/ ۳۰، ۴۰، ۴۲، جم).

پ) کتب اصحاب ائمه (ع)

گاه گفته‌اند از دیگر شرایط گزینش حدیث نزد کلینی، وجود حدیث در کتبی است که توسط اصحاب ائمه (ع) نوشته شده، و امام معصوم تصدیق به صحت آن کرده است (مدیر شانه‌چی، ۷۸). از این منظر، تأیید ائمه (ع) اصلی‌ترین عامل در پذیرش محتوای یک اثر بوده است (غروی، ۳۳۵).

از جمله این کتب، کتاب سَمَاعَةَ بن مِهْران است. نجاشی وی را همچون عالمی موثق، امامی و به دور از هر گونه فسادی در مذهب توصیف می‌کند (ص ۱۹۳). در برابر، شیخ طوسی با تصریح به واقعی مذهب بودن او، وی را صاحب کتابی می‌داند که آن را از امام صادق (ع) روایت نموده است (الرجال، ۳۳۷). کلینی بالغ بر ۳۵۰ مورد از روایات وی را در کتاب خویش گردآورده است (برای نمونه، رک: کلینی، ۱۶ / ۱، ۱۹۰، ۵۶ / ۳).

نمونه دیگر از کتبی که توسط اصحاب ائمه (ع) نوشته شده، کتاب عبیدالله بن علی حلبی است. نجاشی در باره مؤلف این کتاب می‌نویسد وی کتابش را به امام صادق (ع) عرضه کرد؛ امام (ع) بر آن صحنه گذاشتند و فرمودند آیا در میان عامه همچون این کتاب سراغ دارید؟ (نجاشی، ۱۵۹؛ برای تشکیک در اصالت این اثر، رک: معارف، «بررسی اصالت...»، ۸-۱۶). کلینی از این کتاب همچون یکی از منابع خود استفاده نموده است (برای نمونه، رک: کلینی، ۳۵۶ / ۵).

موارد استفاده کلینی از کتب شاگردان اهل بیت (ع) به همین چند مورد محدود نمی‌شود. وی بارها از کتابهایی بهره جسته، و نام مؤلف آن را قید نکرده، و مثلاً با تعبیر «کتاب رَجُلٍ» از آن اثر یاد کرده است (برای نمونه، رک: کلینی، ۳ / ۴۵۰). بدین سان، همواره نمی‌توان دریافت وی از کدام کتابها، و از هر یک به چه میزان بهره جسته است.

ت) کتب مشهور نزد پیشینیان

فقیهان متأخر شیعی، گاه در پذیرش یک روایت، ذکر آن در کتب معروف میان قدما را قرینه‌ای حاکی از اعتبار آن دانسته‌اند. برای نمونه، شیخ بهایی (د ۱۰۳۱ق) می‌گوید اخذ خبر از یکی از کتب مورد اعتماد و معروف گذشتگان قرینه‌ای یقین‌آور نسبت به صحت خبر است؛ خواه صاحب کتاب امامی باشد یا نه (شیخ بهایی، ۲۶). گاه ادعا شده است که کلینی نیز با چنین معیاری به روایات نگریسته، و در انتخاب احادیث کتاب کافی به شهرت کتاب حاوی روایت نزد پیشینیان خود نظر داشته است. بدین سان، روایاتی را از کتب مشهور نزد اصحاب گرد کرده است؛ چه مؤلف آن آثار امامی مذهب بوده - همچون کتاب حرّیز - و یا غیر امامی - همچون کتاب حفص بن غیاث (رک: مدیر شانه‌چی، ۷۸).

میزان اعتماد عالمانی بغدادی در عصری نزدیک به عصر کلینی را می‌توان در تعبیری جست که شیخ طوسی و نجاشی و جز آنها به کار برده‌اند. برای نمونه، شیخ طوسی گاه در یادکرد کتابی آن را «معمد» یا «مُعَوْلٌ عَلَیْهِ» می‌شناساند (برای نمونه، رک: الفهرست، ۱۵۸، ۳۰۵). این تعبیر نشان می‌دهد که از دید وی اعتماد و عمل متقدمان شیعه به کتابها، ملاکی برای ارزیابی آنها بوده است. از آن سو، بی‌اعتمادیهای خویش نسبت به برخی کتابها را نیز با تعبیری مثل «لا یُعَوْلُ عَلَیْهِ» (همان، ۴۱۶)، یا «مَعْمُولٌ عَلَیْهِ» (همان، ۳۰۵؛ نیز رک: نجاشی، ۵۹) ابراز داشته است.

در سخن از روش کلینی، به نظر می‌آید وی در بسیاری موارد، روایاتی را نقل می‌کند که از کتب معتبر شیعیان اخذ کرده است. از جمله این کتب، کتاب حرّیز بن عبدالله سجستانی است. وی را صاحب کتب عدیده‌ای همچون دو کتاب مجزا در باره احکام نماز، کتاب الصیام و همچنین کتاب النوادر دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۴-۱۴۵؛ شیخ طوسی، الفهرست، ۱۶۲). کشی وی را مدح کرده (ص ۳۳۶) و شیخ طوسی نیز وی را

ثقه، امامی و صحیح المذهب دانسته است (الفهرست، ۱۶۲). کلینی روایات متعددی را به نقل از وی می‌آورد (برای نمونه، رک: کلینی، ۱ / ۴۰، ۳ / ۳۶۳، ۵۱۰)؛ روایات متعددی با اسانید متفاوت، چنان که نمی‌توان بر پایه اسانید آن دریافت که کلینی هر روایتی را از کدام کتاب ستانده، و هر کتابی را با کدام اسناد در اختیار داشته است.

به هر روی، روایاتی نیز در کتاب کافی هست که عالمان بغدادی متأخرتر از وی بدانها اعتماد نداشته، و راویان و کتب حاوی آنها را ضعیف شناسانده‌اند. از جمله این روایات، روایات بابی در باره شأن نزول سوره قدر و تفسیر آن در کتاب الحجج است (کلینی، ۱ / ۲۴۳ بی). این باب، ۹ روایت دارد که تماماً از حسن بن عباس بن حریش نقل شده است. نجاشی معتقد است این شخص جداً ضعیف محسوب می‌شود و کتاب «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» او نیز، الفاظی پریشان و آشفته دارد (ص ۶۰). معاصر وی این غضائری نیز، وی ضعیف الرأی و کتابش را دارای الفاظی فاسد و ساختگی می‌شناساند. این غضائری تصریح می‌کند که روایات این فرد مورد توجه نیست و حدیثش نیز، نوشته نمی‌شود (ص ۵۱-۵۲).

گاه در کتاب کلینی، نقل قول از دیگر راویانی نیز دیده می‌شود که در آثار رجالی بعدی هیچ توضیحی در باره شخصیت آنها داده نشده، و گزارشی در جرح یا تعدیل ایشان نرسیده است. از آن جمله، می‌توان ابونعیم طحان را یاد کرد (رک: خویی، ۲۳ / ۷۲؛ برای روایت کلینی از وی، رک: کلینی، ۷ / ۷۵). بر این پایه، به نظر می‌رسد خلاف آنچه مدیر شانه‌چی اظهار داشته، کلینی در گزینش اخبار از کتب و مؤلفان غیر مشهور نیز روایتهایی را ذکر کرده است.

۲. جرح و تعدیل

تا کنون دریافتیم که کلینی در گزینش روایات کافی به اصول متقدم حدیثی، آثار

اصحاب اجماع، و کتب معتبر اصحاب و شاگردان ائمه (ع) توجه داشته، و لزوما مقید نبوده است از آثاری نقل قول کند که از نگاه عالمان سده‌های بعد، از جمله کتب مشهور اصحاب متقدم شیعه تلقی گردیدند. اکنون می‌خواهیم دریابیم که در گزینش روایات از این منابع، چه معیارهای رجالی را مد نظر داشته، و از میان روایات مختلف هر اثر، به روایات راویانی با کدام ویژگیها اعتماد می‌کرده، و کدامها را بر نمی‌تابیده است.

الف) اطمینان به صدور

با مروری بر اصطلاحات رجالی عالمان شیعه و تحول مفهوم آنها در گذر زمان درمی‌یابیم که حدیث صحیح از نگاه قدما غیر از آن است که متأخران می‌شناسند. چنان که برخی معاصران اظهار داشته‌اند، صحیح در نزد قدما روایتی است که به صدور آن از معصوم اطمینان کرده باشند؛ اعم از این که منشاء اطمینان، عدالت و وثاقت راوی باشد یا نشانه‌های دیگر؛ حال آن که از نگاه عالمان متأخر شیعی، صحت حدیث معمولا بر پایه میزان اعتماد به رجال سند آن ارزیابی می‌گردد. گرچه تا کنون مطالعه خاصی در باره روش ارزیابی کلینی از روایات صورت نگرفته است، به نظر می‌رسد وی نیز نباید رویکردی بیگانه با دیگر عالمان متقدم همعصر خویش را دنبال کرده باشد.

بر این پایه، منطقی به نظر می‌رسد بپذیریم که شیوه کلینی در گزینش احادیث خود، اطمینان به صدور آن از معصوم به هر شکل ممکن بوده است (فتاحی زاده، ۷۹). شاید برای صحت یک حدیث نزد کلینی و دیگر متقدمان ضرورت نداشته است که یکایک راویان امامی مذهب باشند؛ بلکه تنها کافی بوده است که با برخی قرائن مرجح، صدور سخن از معصوم اثبات شود (معروف الحسینی، ۱۳۹).

باینحال، روایات متعددی را می‌توان در کتاب کافی یافت که از نگاه عالمان متأخرتر، نمی‌توانسته‌اند سخن معصوم تلقی شوند. از جمله، کلینی به نقل از عده‌ای از مشایخ خود با چند واسطه از اصْبَغ بن نُباته نقل می‌کند که علی (ع) فرمود خورشید

۳۶۰ برج دارد و هر یک از این بروج، همچون جزیره‌ای از جزایر عرب است. هر روز خورشید بر یکی از این برجها فرود می‌آید و در هنگام غروب، تا فردا در پایین عرش خدا جای می‌گیرد. آن گاه تا فردا صبح که به موضع جدید خود بازگردانده شود، همانجا سجده‌کنان به سر می‌برد (کلینی، ۸/۱۵۷). شعرانی در فهم و تفسیر این روایت، خود را با مشکلاتی روبه‌رو دیده است، از این جهت که محتوای آن با درک وی از صور فلکی و گردش خورشید و زمین و جایگاه بروج سازگار نیست. بدین سان، اظهار داشته است که با فرض صحت حدیث و صدور آن از امام علی (ع)، به حفظ روات آن اطمینانی نیست و اگر کلینی این روایت را نقل کرده، بر فرض صدور حدیث از معصوم (ع) است؛ اگرچه راویان آن حدیث از خطا معصوم نیستند (۱۲/۱۷۴).

به همین ترتیب، کلینی روایتی را در اثر خویش جای داده است که ظاهرش دلالت بر وقوع زیاده یا نقصانی در متن قرآن کریم دارد (۲/۳۶۲). شعرانی در شرح این خبر گفته است حتی به فرض صحت اسناد آن، لازمهٔ صدورش از معصوم (ع) وقوع یک امر محال - یعنی تحریف قرآن کریم - است (۷/۴۷). این قبیل عالمان هرگز نتوانسته‌اند بپذیرند که اطمینان به صدور حدیث از معصوم، یکی از شیوه‌های گزینش اخبار توسط کلینی بوده است.

به هر روی، نقل قول از غیر معصومین (ع) را در جایجای کتاب کلینی می‌توان یافت. نمی‌توان پذیرفت کلینی اصرار داشته است هر آنچه در این کتاب ذکر می‌کند، لزوماً سخن معصومین (ع) باشد. از جمله، می‌توان به نقل قولهای کلینی از هشام بن حکم (۱/۹۹)، ابو ایوب نحوی (۱/۳۱۰)، ابراهیم بن ابی‌البلاد (۶/۳۷۹) و جز آنها اشاره کرد.

ب) عدالت راوی

به نظر می‌آید کلینی افزون بر آن که اطمینان به صدور حدیث از معصوم را ملاک

قرار می‌داده، به سند روایات و نقل از راویان ثقه نیز توجه ویژه‌ای داشته است. عده‌ای از عالمان متأخر شیعی همچون شهید ثانی و مامقانی، امامی مذهب بودن را یکی از شرایط لازم راوی جهت صحت حدیث برشمرده، و از آن با تعبیر «ایمان راوی» یاد کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۱۳؛ مامقانی، ۲/ ۲۵، ۲۶). همچنان که از مقدمه کافى برمی‌آید، کلینی نیز به عنوان یکی از متقدمین به این امر معتقد بوده، و در گزینش حدیث، به ضرورت عدالت راوی در عمل و عقیده باور داشته است. وی در مقدمه کافى پس از بیان روایتی مبنی بر این که «هر که امر امامت ما را از قرآن نفهمد، از فتنه‌ها بیرون نرود»، بلافاصله بر لزوم توجه به ایمان راوی تأکید می‌کند: کسانی از این فتنه‌ها سالم بیرون می‌روند که دین خود را با علم و بصیرت از کتاب و سنت نبوی گرفته باشند (کلینی، ۱/ ۸-۷).

به هر روی، مطالعه رجالی پاره‌ای از روایات کافى نشان می‌دهد که شمار محدودی از رجال آن از دیدگاه علمای رجال تضعیف شده‌اند. این عده غالباً در شمار غلات قرار داشته، یا به کذب، تخیل، سوء حافظه، و مشکلات اعتقادی یا اخلاقی مبتلا بوده‌اند (معروف الحسنی، ۱۹۲-۲۰۱). با توجه به آن که کلینی در ملاک صحت روایات از سیره قدما تبعیت می‌کرده، در نقل روایت از این عده محظوری نداشته است (معارف، تاریخ، ۳۳۷). بدین سان، از روایات مختلفی که هر یک به یکی از اسباب پیش گفته دچار ضعف شناخته شده‌اند نیز، روایات متعددی نقل کرده است.

از جمله این راویان می‌توان محمد بن علی صیرفی را یاد کرد. این راوی که شیخ احمد برقی - صاحب محاسن - بوده، در بیش از ۲۵۰ روایت در کافى دیده، و معمولاً با عنوان «محمد بن علی» از وی یاد می‌شود. نجاشی در باره وی می‌گوید که وی ضعیف و اعتقادش نیز فاسد است و در چیزی بر وی اعتماد نیست. او در حالی به قم وارد شد که در کوفه به دروغ‌گویی شهره گشته بود. سپس به غلو اشتهار یافت و

طردش کردند. بدین سان، احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را از قم بیرون کرد (نجاشی، ۳۳۲). گویا نام وی در صدر فهرستی بوده که فضل بن شاذان از جاعلان و کذابان معروف تهیه کرده است (کشی، ۵۴۶).

۳. سایر روشها

الف) عرضه به قرآن

کلینی در مقدمه کافی (۱ / ۹) به صراحت عدم تعارض با قرآن و اجماع و نیز مخالفت با فتاوی عامه را از ملاکهای گزینش اخبار کافی برمی شمرد. کوشش وی برای گرد آوردن روایاتی سازگار با ظاهر قرآن، حتی گاه سبب شده است روایاتی در کتاب گردآوری شوند که با فتاوی مشهور فقیهان شیعی در عصرهای بعد، متعارضند. برای نمونه، وی نقل کرده است که علی (ع) حکم کرده‌اند هر گاه مولایی عبد خود را امر به قتل کسی کند، باید مولا را قصاص کرد؛ زیرا عبد اختیاری ندارد و صرفاً باید زندانی شود (کلینی، ۷ / ۲۸۵). چنان که شیخ طوسی (الاستبصار، ۴ / ۲۸۳) نیز بیان داشته، این خبر مطابق با ظاهر قرآن کریم است؛ آنجا که قرآن کریم نفس را با نفس برابر می‌نهد (مائده / ۴۵؛ نیز، برای اختلاف فتاوی فقیهان شیعه در این باره، رک: علامه حلی، مختلف الشیعه، ۹ / ۳۱۶ بی).

باینحال، معلوم نیست چرا کلینی با وجود تصریح خویش در مقدمه اثر به ضرورت سازگاری روایت با ظاهر کتاب و خلاف سیره خویش در گزینش بسیاری روایات، گاه از این ضابطه عدول نموده، و روایاتی خلاف ظاهر کتاب در اثر خود جای داده است؛ امری که سبب گشته است محدثان، همه روایات کتاب کافی را صحیح ندانند. برای نمونه، یک جا از قول حضرت صادق (ع) نقل کرده است که فرمودند: قرآن در اصل حاوی ۱۷۰۰۰ آیه بوده است (کلینی، ۲ / ۶۳۴)؛ روایتی که به وضوح با باور عموم

مسلمانان در باره قرآن کریم و درک ایشان از وعده الهی حفظ قرآن از تحریف (حجر / ۹) تعارض دارد.

ب) رضا و تسلیم

رضا و تسلیم در اخذ روایات مخالف، یکی دیگر از معیارهای کلینی در گزینش اخبار است؛ بدین معنا که هر گاه کشف حکم از میان دو روایت متخالف بر ما مشتبه شد و نه بر پایه عرضه به قرآن، نه بر پایه مخالفت با فتاوی عامه، و نه هیچ معیار دیگری نتوانستیم دریابیم که حکم حقیقی اهل بیت (ع) در باره مسئله کدام است، خواهیم توانست از میان دو روایت، هر یک را که بدان راضی‌تر بودیم برگزینیم و نه همچون تأسیسی شرعی، که از باب رضا دادن به خواست خدا و تسلیم در برابر اراده الهی، به آن روایت عمل کنیم (رک: کلینی، ۱ / ۹). گفته‌اند کاربست این معیار در گزینش روایات کافی سبب شد که فقیهان در عصرهای بعد، خود را از مراجعه به دیگر کتابها نیز بی‌نیاز نبینند و در ترجیح برخی روایات کتاب بر دیگری، احساس تحیر کنند (بهبودی، ۱ / ۲۰). با مراجعه به روایات مختلف برخی ابواب فقهی کتاب کافی، خود را با روایاتی متعارض و احياناً غیر قابل جمع روبه‌رو می‌بینیم. این میان، می‌توان بر اساس عنوانی که وی برای باب گزیده است، به فتوای مختار خود وی نیز پی برد. با اینحال، در مواردی نیز می‌توان دید که کلینی - با در نظر گرفتن سایر معیارهای گزینش حدیث - تنها روایاتی را که با فتوای فقهی خود سازگار بوده ذکر کرده، و از یادکرد روایات خلاف آن چشم پوشیده است.

برای مثال، کلینی در مورد نماز مسافر فقط روایاتی را ذکر می‌کند که ملاک قصر نماز را مسافت چهار فرسخ بیان نموده‌اند (کلینی، ۳ / ۴۳۲)؛ حال آن که در بسیاری از کتب حدیثی هشت فرسخ را برای تقصیر لازم می‌دانند. بر این پایه، ممکن است کلینی به دلیل فتوای پذیرفته خود از نقل روایات هشت فرسخ صرف نظر کرده باشد (قس: حر

عاملی، ۸/ ۴۵۳).

نتیجه

با توجه به آنچه ذکر گردید، می‌توان تا حدودی دریافت که کلینی در گزینش و نقل احادیث، بیش‌تر از چه شیوه‌هایی بهره برده است. به نظر می‌رسد وی از یک سو نسبت به اخذ روایات از منابع حدیثی معتبر شیعه همچون اصول اربعمائه، کتب اصحاب اجماع، کتب راویان مورد تأیید اهل بیت یا مشهور نزد عالمان پیشین شیعی حساس بوده، و از دیگر سو، معیارهای رجالی جرح و تعدیل روات، و همچنین معیارهایی خاص خود را نیز در نظر داشته است. مهم‌ترین معیار از معیارهای خاص او، گزینش روایاتی بر مبنای رضا و تسلیم نفس از میان روایات متعارض است.

کلینی در گزینش اخبار شیوه‌ای بینابین محدثان متقدم و متأخر شیعی را به کار بسته است؛ شیوه‌ای که از یک سو شباهت‌های جدی با عالمانی نزدیک به عصر وی همچون شیخ طوسی دارد و از دیگر سو، شبیه سیره عالمان متأخری از اخباریان و اصولیان عصر صفوی است. وی در توجه به اصول و کتب کهن و روایات مشهور شیعی شبیه متقدمان عمل کرده، و در اصرار به معیارهای رجالی همچون عدالت راوی و یا در اصرار به عدم تعارض حدیث با کتاب، شبیه متأخران است. کاربرد معیار رضا و تسلیم هم از خصایص خود اوست.

به هر روی، چنان که دیدیم همواره ملاک و شیوه کاربست این معیارها به‌درستی قابل کشف نیست و موارد متعددی را می‌توان سراغ داد که حداقل به نظر می‌رسد کلینی در مقام گزینش‌گری روایات، از برخی ضوابط خود عدول نموده باشد؛ امری که مطالعات گسترده‌تر روشمند را برای شناخت بهتر معیارهای گزینش وی ضروری می‌کند.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *جامع الأصول فی أحادیث الرسول*، به کوشش عبدالقادر ارتووط، دمشق، مکتبة الحلوانی، ۱۳۸۹ق / ۱۹۶۹م بی.
- ۲- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، *المقدمه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- ۳- ابن طاووس، علی بن موسی، *کشف المحجّة لثمره المهجّة*، به کوشش محمد حسّون، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
- ۴- ابن غضائری، احمد بن حسین، *الرجال*، به کوشش محمد رضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲ق / ۱۳۸۰ش.
- ۵- انصاری، حسن، «اصحاب اجماع»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، جلد نهم، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۶- بهبودی، محمد باقر، *گزیده کافی*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- ۷- ظریف بن ناصح، کتاب الديات، ضمن *الاصول الستة عشر*، قم، دار الشبستری للمطبوعات، ۱۳۶۳ش.
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- ۹- حسینی همدانی نجفی، محمد، *درخشان پرتوی از اصول کافی*، قم، چاپخانه علمیه، ۱۳۶۳ش.
- ۱۰- علامه حلی، حسن بن یوسف، *الرجال* به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
- ۱۱- _____ *مختلف الشیعه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- ۱۲- خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم، ۱۴۰۳ق.
- ۱۳- زید نرسی، «الاصل»، روایت هارون بن موسی تلعبری، ضمن *الاصول الستة*

- عشر، قم، دار الشبستری، ۱۳۶۳ش / ۱۴۰۵ق.
- ۱۴- شعرانی، ابوالحسن، تعلیقه بر شرح اصول الکافی مازندرانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۰م.
- ۱۵- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعایة، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۳ق.
- ۱۶- شیخ بهایی، محمد بن حسین، مشرق الشمسین، چاپ سنگی، بازنشر قم، انتشارات بصیرتی.
- ۱۷- شیخ طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، به کوشش حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- ۱۸- _____ الرجال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۳ش.
- ۱۹- _____ الفهرست، به کوشش عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
- ۲۰- عاملی، امین ترمس، ثلاثیات کلینی، قم، دار الحدیث، ۱۴۱۷ق.
- ۲۱- غروی نایینی، نهله، تاریخ حدیث شیعه تا قرن پنجم، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۶ش.
- ۲۲- غفار، عبدالله رسول، کلینی و الکافی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
- ۲۳- غفاری صفت، علی اکبر، تلخیص المقباس، تهران، صدوق، ۱۳۶۹ش.
- ۲۴- فتاحی زاده، فتحیه، مبانی و روشهای نقد حدیث در کتب اربعه، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۵ش.
- ۲۵- کشی، محمد بن عمر، معرفة الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- ۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۷- کنتوری، اعجاز حسین، کشف الحجب و الاستار، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۹ق.

- ۲۸- مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، *مقباس الهدایه فی علم الدرایه*، به کوشش محمد رضا مامقانی، قم، موسسه دار البیت لاحیاء التراث، ۱۴۲۲ق.
- ۲۹- مدیر شانه‌چی، کاظم، *درایة الحدیث*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- ۳۰- معارف، مجید، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران، کویر، ۱۳۸۷ش.
- ۳۱- _____ *مباحثی در تاریخ حدیث*، تهران، نبأ، ۱۳۸۷ش.
- ۳۲- _____ و رشیدی، امیر، «بررسی اصالت کتاب عبید الله بن علی حلبی»، *صحیفه مبین*، شماره ۵۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش.
- ۳۳- معروف الحسنی، هاشم، *دراسات فی الحدیث و المحدثین*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
- ۳۴- مؤدب، رضا و حدادیان، عبدالرضا، «بررسی دلالی روایات تحریف نما در کتاب *کافی*»، *حدیث پژوهی*، شم ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش.
- ۳۵- مهروش، فرهنگ، «دیات، کتاب»، ارائه شده برای نشر به دائرة المعارف *ایسلامیکا*، قابل دسترسی در تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۳۶- میرداماد، محمد باقر بن محمد، *الرواشح السماویة*، قم، دار الخلفه، ۱۳۱۱ق.
- ۳۷- نجارزادگان، فتح الله، «بررسی و ارزیابی حدیث کمیت آیات قرآن در کتاب *کافی*»، *حدیث پژوهی*، بهار و تابستان ۱۳۸۸ش، شم ۱.
- ۳۸- نجاشی، احمد بن علی، *الرجال*، قم، داوری، ۱۴۱۱ق.
- ۳۹- نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۵ق.
- 40- Madelung, Wilferd, "Al Kulaynī," *Encyclopedia of Islam*, vol. V, Leiden, Brill, 1986.